



طب اسلامی پیشینه تاریخی ندارد/ روایات طبی یا طب اسلامی؟

پس از مطرح شدن طب سنتی، طب‌های دیگری مانند طب اسلامی مطرح شد که بر سر اعتبار آن مناقشه و بحث‌های زیادی درگرفت. در این گزارش نظرات موافقین و مخالفین طب اسلامی را جویا شده ایم.

پس از مطرح شدن طب سنتی، طب‌های دیگری مانند طب اسلامی مطرح شد که بر سر اعتبار آن مناقشه و بحث‌های زیادی درگرفت. در این گزارش نظرات موافقین و مخالفین طب اسلامی را جویا شده ایم.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه - سارا فرجی: سالهاست که در کشورمان در کنار پزشکی مدرن، طبی با عنوان «طب سنتی» مطرح شده است و پس از فراز و فرودهای بسیاری که از سرگذراند امروز به عنوان یک نظام طبی رایج و شناخته شده مورد استفاده قرار می‌گیرد و بسیاری به این طب و روش‌های درمانی آن اعتماد دارند و گاه به جای درمان از طریق روش‌های پزشکی مدرن از روش‌های درمانی طب سنتی استفاده می‌کنند و نتیجه هم می‌گیرند، اما در این میان و پس از مطرح شدن طب سنتی در کشورمان، سخن از طب‌های دیگری تحت عنوان طب ایرانی، طب اسلامی و امثال اینها مطرح شد که بر سر موثق و معتبر بودن آنها مناقشه و بحث‌های زیادی درگرفت.

جدای از مناقشه میان طب سنتی و پزشکی مدرن، مناقشه دیگری با طب اسلامی در جریان است و حتی بسیاری از حامیان طب سنتی، طب تحت عنوان طب اسلامی را مورد قبول نمی‌دانند. طرفداران و متولیان طب موسوم به طب اسلامی در حالی مشغول به تبلیغ شیوه طبی خود هستند که سال ۱۳۹۶ محمود خدادوست، مدیرکل دفتر طب سنتی وزارت بهداشت در گفتگویی تأکید کرد که چیزی به نام طب اسلامی نداریم. فارغ از اینکه چنین طبی وجود دارد یا نه و اینکه چقدر قابل اعتماد است، در این میان عده‌ای به قصد سودجویی و کسب درآمد به نام طب اسلامی به درمانگری می‌پردازند و هزینه و گاه جان مراجعه‌کنندگان را ضایع می‌کنند.

به بهانه مسائلی که اخیراً بر سر موضوع «طب اسلامی» پیش آمده با چند نفر از موافقان و مخالفان این موضوع گفتگو کردیم و نظراتشان را راجع به این مسئله جویا شدیم.

حجت الاسلام سید کاظم طباطبایی، رئیس پژوهشگاه مؤسسه دارالحديث قم گفت: طب سنتی تعریف مشخصی دارد و به معنی طب کهن اقوام و ملیت‌های متفاوت است و گونه‌های متفاوتی هم دارد مثل طب سنتی چینی، طب سنتی هندی، طب سنتی یونانی که همگی بر طب سنتی ایرانی هم مقدم هستند. علاوه بر این‌ها ما یک پزشکی محلی هم داریم به این معنی که مثلاً طب سنتی مناطق گرمسیر با طب سنتی مناطق سردسیر که باهم فرق دارند. علاوه بر این‌ها ما یک طب فولکلوریک هم داریم به این معنی که میان مردم و طی دوران مختلف سینه به سینه منتقل شده است. اتفاقاً یکی از وظایف وزارت بهداشت این است که این طب فولکلوریک که مربوط به مناطق مختلف ایران است را آکادمیک کند. در کنار اینها ما یک طب سنتی عربی هم داریم که مربوط به منطقه شبه جزیره است. مجموعه اینها طب سنتی است که امروز هم به آن به چشم طب مکمل نگاه می‌شود و این موضوع فقط مربوط به ایران نیست، بلکه در سراسر جهان به عنوان طب مکمل پذیرفته شده است.

طب پیشینه تاریخی ندارد و در دوران معصومین هیچوقت چیزی به عنوان طب اسلامی مطرح نبوده است و کسی هم سراغ ائمه و معصومین برای درمان نمی‌رفته است

وی افزود: در کنار اینها یکسری ادعا کردند که ما طب اسلامی داریم، ولی این طب پیشینه تاریخی ندارد و در دوران معصومین هیچوقت چیزی به عنوان طب اسلامی مطرح نبوده است و کسی هم سراغ ائمه و معصومین برای درمان نمی‌رفته است. مواردی بوده که پزشکان نزد ائمه و معصومین می‌رفتند، ولی برای پرسیدن سوال فقهی خود نزد آنها می‌رفتند نه سوال پزشکی. خلاصه اینکه ما طبی تحت عنوان طب اسلامی نداریم و این نظام طبی در دوره متأخر پدید آمده است. اخیراً ما گرایش به رجوع به روایات به عنوان درمان داشتیم نه به عنوان خواص خوراکی و اینها. در ۱۰-۲۰ سال اخیر این رجوع شدت گرفته است که چرایی آن هم جای بحث دارد.

رئیس پژوهشگاه مؤسسه دارالحديث قم ادامه داد: گاهی روایاتی که ناظر به خواص خوراکی‌ها یا چگونگی پیشگیری از بیماری‌ها باشد داریم. به عنوان مثال در روایات کافی مطرح شده که شخصی نزد امام صادق (ع) می‌رود و امام از این فرد می‌پرسد که چرا رنجوری و فرد پاسخ می‌دهد که فلان بیماری را دارم و حضرت می‌فرمایند که گوشت را کباب کن

و بخور نه گوشت آب پز. نکته مهم در اینجا، این است که در اینجا امام از فرد سوال می کند نه اینکه فرد برای درمان و معاینه نزد امام رفته باشد. توصیه امام (ع) هم به خاطر معرفت و آگاهی که به امور داشتند بوده است نه اینکه طیب بوده باشند و کسی هم برای پرسیدن سوال طبی نزد امام (ع) نمی رفته است. ممکن است که امام درباره خواص میوه ای مثل سیب صحبت کرده باشند، ولی با اینها نمی توان یک نظام طبی درست کرد.

وی با اشاره به اینکه لازم است مجموعه متونی که داریم را مورد بررسی قرار بدهیم، تأکید کرد: باید با متونی که داریم به صورت یک روش علمی برخورد کنیم و از لحاظ سند و معتبر بودن مورد بررسی قرار بدهیم، مثلاً مدعیان طب اسلامی می گویند ما ۱۰-۱۱ هزار روایت درباره طب اسلامی داریم، منتها نکته ای که وجود دارد این است که بیشتر این روایات در منابعی است که ما اصلاً آنها را نمی شناسیم و فقط حدود هزاروخوره ای از این روایات معتبر و آشناست. ما تعداد اندکی روایات ناظر به خواص خوراکی ها داریم ولی نظام طبی که مبتنی بر منطق خاص خودش باشد و بیماری را تشخیص بدهد نداریم. بنابراین وقتی می گوئیم طب اسلامی نداریم به این معنی نیست که روایت طبی معتبر نداریم، بلکه به این معناست که این روایات طبی ناظر به خواص خوراکی هاست نه چیزی بیشتر از این. روایاتی هم که درباره درمان داریم ناظر به تشخیص طبی نیست، مثلاً اگر امام (ع) تجویزی برای دل درد یک نفر داشتند برای همان بیماری خاص بوده و با توجه به معرفتی که داشتند آن تجویز را می کردند و نمی توان آن تجویز را سرایت داد.

نکته مهمی که در روایت طب اسلامی وجود دارد بحث تشخیص است؛ در این روایات تشخیص بیماری نداریم، مجموعه اینها بیانگر این است که ما نمی توانیم نظام طبی استخراج کنیم و به اهل بیت نسبت دهیم طباطبایی اضافه کرد: نکته مهم دیگری که در روایت طب اسلامی وجود دارد بحث تشخیص است. در این روایات تشخیص بیماری نداریم. مجموعه اینها بیانگر این است که ما نمی توانیم نظام طبی استخراج کنیم و به اهل بیت نسبت دهیم اگرچه ممکن است یکسری روایت داشته باشیم. مدعیان طب اسلامی معتقدند که با روایات طبی نباید مثل یک علم تجربی برخورد کنیم. بنابراین اگر کسی درمان مبتنی بر گفته های آنها را انجام داد و نتیجه نگرفت باید به حساب مشیت الهی و تقدیر گذاشته شود و این گروه هیچ گونه مسئولیتی را به عهده نمی گیرند. همچنین آنها معتقدند که این روایات طبی برای کسانی است که اعتقاد مذهبی دارند. لذا نظرات اینها قابل صحت سنجی نیست و نمی توان آنها را راستی آزمایی کرد.

این پژوهشگر با تأکید بر اینکه اصطلاح طب اسلامی در ۲۰ سال اخیر مطرح شده است، گفت: ما «روایات طبی» داریم، ولی «طب اسلامی» نداریم. کاری که مدعیان طب اسلامی انجام می دهند نسبت ناروایی به اهل بیت است که خیلی هم جسارت و جرأت می خواهد.

وی در پایان اظهار داشت: ما به یکسری پژوهشگر احتیاج داریم که این تجویزها را تجربه و آزمایش کنند. خیلی از توصیه هایی که این افراد می کنند براساس کتاب «طب الاثمه» نوشته دو برادر نیشابوری است که هیچ سند و مدرک معتبری ندارد، مبنی بر اینکه این تجویزها مربوط به امام است، اما وقتی این تجویزها تجربه شود موضوع فرق می کند، مثلاً الان تعدادی از جوانان تحصیل کرده و علاقمند به این حوزه اخیراً چنین کار تجربی کردند و داروی امام کاظم (ع) که برای ایمن سازی بدن بود را به تعدادی از زائران اربعین که به تصادفی انتخاب کرده بودند دادند تا تأثیر آن را مشاهده کنند و بعد مشخص شد که این دارو توانسته بدن افراد را تاحدی نسبت به کسانی که دارو را مصرف نکرده بودند ایمن کند. حال اگر متولی این امر، وزارت بهداشت شود موضوع خیلی متفاوت می شود. براین اساس ما نمی توانیم صد در صد بگوئیم که این دارو منتسب به امام کاظم (ع) است، ولی دلیلی هم برای انکارش نداریم.

محمد مهجوری، درمانگر طب اسلامی که درحال حاضر مشغول تحصیل در مدرسه آیت الله خویی است و کار درمانگری هم انجام می دهد اما نظر دیگری دارد. وی معتقد است: طب اسلامی، طبی برگرفته از آیات و روایات است، لذا تاریخ آن به تاریخ احادیث و اهل بیت برمی گردد. این روایات کم کم به مرور زمان به دست ما رسیده است. اگرچه بر اساس آیات و روایات موجود به نظر می رسد که در آن زمان یک نظام طبی مستقل وجود داشته است. شأن علم امام خیلی بالاست و بر اساس روایات علم امام، ناظر به همه عالم است، بنابراین شأن و منصب امام این نبوده که بنشیند و طبابت کند، ولی وقتی از ایشان سوالاتی در خصوص درمان می پرسیدند ایشان با توجه به علمی که داشته به آنها پاسخ می داده است.

وی افزود: امام با توجه به علمی که داشته، توصیه ای می کرده که همه نوع از یک بیماری را درمان می کرده و ما هم الان این کار را می کنیم و به همان توصیه ها عمل می کنیم. مثلاً امروز انواع و اقسام سرطان وجود دارد ولی ما یک داروی کلی تهیه کردیم که براساس روایات، این دارو مشکل ترین غده ها را برطرف می کند، حالا از هر نوعی باشند. در واقع امام یک معیار کلی به ما داده و ما براساس آن عمل می کنیم.

مهجوری با اشاره به اینکه طب سنتی یک مکتب مستقل از طب اسلامی است، ادامه داد: اینکه تاکنون صحبتی از طب اسلامی نبوده و در سال های اخیر مطرح شده به کم کاری علما برمی گردد. ما درباره اقتصاد تعداد زیادی حدیث و روایت داریم، ولی علما هنوز سراغ آنها نرفته اند و روی آن کار نکرده اند. اینکه الان چندسال است که طب اسلامی مطرح شده به این معنی نیست که ما کلاً طب اسلامی نداریم. اهل بیت آمده اند که به ما برنامه جامع در همه زمینه ها بدهند نه اینکه فقط درباره نماز و روزه و محرمات نظر بدهند. مریض شدن، سلامت جسمی و … همه جزو برنامه های زندگی است. ما حدود یازده هزار روایت طبّی داریم که حتی اگر از بخشی از آنها که معتبر نیست چشم پوشی کنیم با بخش بسیاری از آنها می توان یک مکتب طبّی مستقل تهیه کرد.

اینکه الان چندسال است که طب اسلامی مطرح شده به این معنی نیست که ما کلاً طب اسلامی نداریم. اهل بیت آمده اند که به ما برنامه جامع در همه زمینه ها بدهند نه اینکه فقط درباره نماز و روزه و محرمات نظر بدهند. این درمانگر طب اسلامی گفت: بین مراجع تقلید هم در این باره اختلافاتی است؛ برخی مثل آیت الله نوری همدانی این مکتب را قبول دارند و از عملکرد این مکتب دفاع می کنند، برخی هم مثل آیت الله مکارم شیرازی مخالفت می کنند. سند ما هم برای طب اسلامی چهارکتاب معتبر شیعه مثل کتاب کافی، من لایحضره الفقیه، استفسار و تهذیب الاحکام است که در هر چهار اثر روایت های معتبر طبّی وجود دارد.

محمدعلی تبریزیان، از دیگر درمانگران طب اسلامی در ادامه و در تکمیل سخنان مهجوری گفت: پیشینه و تاریخ طب اسلامی به زمان پیدایش اسلام برمی گردد، چون از همان زمان آغاز دین اسلام مسائل درمان و سلامتی و اینها مطرح بوده است، ولی بحث احیا و اجرای آن چیز دیگری است. مثل بحث حکومت اسلامی که از زمان پیدایش اسلام مطرح بوده ولی در ایران توسط امام خمینی (ره) اجرا و احیا شد، بنابراین مفهوم حکومت اسلامی چیز جدیدی نیست فقط توسط امام خمینی به عرصه عمل آمد.

وی افزود: طب اسلامی برای اولین بار حدود بیست سال پیش توسط آقای عباس تبریزیان مطرح شد و به عرصه عمل آمد. تعریف ما از طب اسلامی عبارت است از گزاره های سلامتی و بهداشتی در فرمایشات پیامبر و معصومین که براساس این تعریف، مدارک و سند معتبر هم وجود دارد. گاهی داروهایی که تهیه می کنیم مستقیماً از کلام معصومین گرفته شده گاهی هم به واسطه روایت ها دارو را تهیه می کنیم. ما نمی گوئیم که برای همه درمان ها نزد طب اسلامی بیایند، حتی اگر ۵۰ درصد این روایات معتبر و کاربردی باشد برما واجب است به همین ۵۰ درصد عمل و از آن استفاده کنیم و برای ۵۰ درصد باقیمانده افراد می توانند به دیگران مراجعه کنند به عبارت دیگر به آن مقداری که می توانیم کمک می کنیم.

تبریزیان ادامه داد: برخی می خواهند ریشه این علم را بزنند و می گویند ما کلاً چیزی به عنوان طب اسلامی نداریم در حالی که قطعاً طب اسلامی داریم، منتها در مورد حدود و جزئیات آن اختلافاتی وجود دارد. ما به متون شیعه که این روایات طبّی در آن هست اعتماد داریم چون متون شیعه معتبر و مکتوب است نه منقول. مثلاً در یک حدیث معتبر امام صادق (ع) از پیامبر آمده است که مریضی ها کلاً به سه دسته تقسیم می شوند و درمان هم سه دسته است. خب ما براساس این قاعده کلی می توانیم بسیاری از بیماری ها را درمان کنیم.

در مقابل سیدمهدی ناظمی قره باغ، محقق و پژوهشگر طب سنتی که همچون طباطبایی معتقد است ما طبّی با عنوان طب اسلامی نداریم به خبرنگار مهر گفت: طب اسلامی اصطلاحی است که وقتی به کار می بریم سریعاً یک زمینه پررنگ مذهبی و دینی از آن حمایت می کند که می تواند اذهان را فریب بدهد و افراد فکر می کنند که طبّی منتسب به اسلام است و همین باعث مشروعیتش می شود. عده ای هم ممکن است فکر کنند که چون علم اسلامی وجود دارد طب اسلامی هم وجود دارد، ولی باید دقت کنیم که علم اسلامی به طور مشخص مربوط به علوم حوزوی اشاره دارد و از نوعی عقلانیت بهره مند هستند. طب سنتی هم برای خودش تعریف و اصول و موازین خودش را دارد.

وی افزود: در تاریخ ما هیچگاه طبّی تحت عنوان طب اسلامی نداشتیم و نداریم و به قول معروف یک اصطلاح من درآوردی است. بعضی از افرادی که استاد طب سنتی بودند از اصطلاح طب اسلامی- ایرانی استفاده می کردند، منتها منظورشان یک طب جدید نبود، بلکه منظورشان این بود که طبّی که معرفی می کنند خاستگاه ایرانی و اسلامی دارد. ما می توانیم از احادیث طبّی در اسلام استفاده کنیم و بسیاری از این احادیث با طب سنتی هم همخوانی دارد، اما حدیث وقتی یقینی است که ما در دلائتش یقین داشته باشیم و بدانیم از جانب معصوم صادر شده است.

ما می توانیم از احادیث طبّی در اسلام استفاده کنیم و بسیاری از این احادیث با طب سنتی هم همخوانی دارد اما

حدیث وقتی یقینی است که ما در دلالتش یقین داشته باشیم و بدانیم از جانب معصوم صادر شده است ناظمی قره باغ ادامه داد: عده ای که در ابتدا این اصطلاح را مطرح کردند از روی خیرخواهی این اصطلاح را مطرح کردند، ولی بعدها پای سود و درآمد زایی به میان آمد. متأسفانه بسیاری از این افراد متوجه نیستند که این درآمدزایی هم سلامت مردم را به خطر می اندازد و هم اعتقادات مردم را تضعیف می کند، چون فرد با اعتقاد دینی نزد این افراد می آید و وقتی درمان نمی شود اعتمادش را به اعتقادات مذهبی از بین می رود. بنابراین فقط بحث سلامت جسمانی در این موضوع مطرح نیست.

وی افزود: استفاده از احادیث درست است منتها توسط یک فرد متخصص و طبیب سنتی نه کسی که فقط عربی بلد است و می تواند متون دینی بخواند. اگر دیدگاه مدافعان طب موسوم به اسلامی بخواهد بسط پیدا کند علم از بین می رود و زیر سوال می رود. ما وقتی می توانیم احادیث طبی را بفهمیم که از علم پزشکی هم مطلع و با آن آشنا باشیم. از اساتید بزرگ فقهی و حوزوی، یک نفر هم پیدا نمی کنیم که دیدگاهی مرتبط با طب اسلامی داشته باشند.

این پژوهشگر اظهار داشت: به عقیده من فقط طب سنتی می تواند از احادیث استفاده کند و اینکه توقع داشته باشیم علم جدید از احادیث استفاده کند خیلی کار سختی است چون روش هایشان با هم متفاوت است ولی در هر حال لازم است که با اصول خاصی جلو رفت. من با اغلب اساتید طب سنتی صحبت کردم و قریب به اتفاق این نظر را دارند که طبی موسوم به طب اسلامی نداریم و از فضای پیش آمده ناراضی هستند. یکی از دلایلی که این افراد اظهار نظر صریح نمی کنند این است که نگرانند مورد توهین طرفداران این طب قرار بگیرند و از سوی آنها تکفیر شوند، اما دلیل دیگر این است که مسئولین محترم اساتید طب سنتی را در کنار طب موسوم به اسلامی قرار می دهند و به نوعی این دو را یک کاسه می کنند، در حالی که این دو با هم فرق دارند و در کنار یکدیگر قرار دادن این دو گروه در اذهان مردم تأثیر بد می گذارد، ضمن اینکه از افراد متخصص این حوزه هم استفاده نمی شود. اما همانطور که در ابتدا اشاره شد در مقابل مخالفان این نظام طبی افرادی هم هستند که به صورت سرسختانه از این نظام طبی دفاع می کنند و این روزها هم مشغول درمانگری هستند

با توجه به این نظرات موافق و مخالفی که درباره این نظام طبی تازه مطرح شده وجود دارد، به نظر می رسد باید متولیان و مسئولان حوزه بهداشت و درمان وارد عرصه عمل شوند و به این اوضاع سامان دهند. لازم است که پژوهش و تحقیقات جدی در این باره صورت بگیرد و نظر وزارت بهداشت به عنوان نهاد متولی سلامت و درمان در این باره به صورت شفاف و جدی مطرح شود تا مردم نسبت به اموری از این قبیل آگاه شوند و کمتر مورد سواستفاده قرار بگیرند.